



تسلیم اخلاقی (۱)

## درویشان فرنگی

یا پیروان مراسم تسلیم اخلاقی

از : مجید موقر

درویش حقیقی کسی را گویند که بشمام معنی وارسته از کلیه امور مادی و مالی و پیوسته بساتل معنوی و اخلاقی باشد و بس، باینکه بسیاری بوده هستند کسانی که دعوی درویشی را کرده و میکنند ولی در حقیقت درویش واقعی نبوده بلکه این نام نامی را به غلط بر خود نهاده اند.

بحکم قضاوت تاریخ اساساً مردم خاورزمین پیش از باختریان بامور معنوی و اخلاقی و عرفانی پرداخته اند و در راه شریعت و طریقت و حقیقت گام نهاده اند و جلورانده اند، بویژه مردم ایران زمین که اهل عاطفه و احسان استند در این باره بمقامات بسیار ارجمندی نایل آمده اند تا جایی که بچرت میتوان گفت هیچ ملتی بقدر ملت ایران در این فن شیوای داد سخن را نداده و از خود آناری باقی نگذاشته و عارف ربانی بیرون نداده است: ادبیات شیرین و سرشار زبان شیوای فارسی پر است از گفته های نغز عارفانه و تعلیمات حکیمانه و از شرح حالات و کرامات و معجزات مردان راه خدا این حقیقت پرستی و کمالات معنوی و عواطف عرفانی و معتقدات ربانی که در شرق تکوین یافته و ریشه دوانیده و ثمر شیرین داده شاید باقتضای محیط طبیعی این سرزمین بوده است، زیرا آسمان خاور زمین اغلب از کدورت ابرهای تیره پاک و ستارگان آن درخشنده و تابناک است: آسمان



جایگاه مرکزی بیروان تسلیح اخلاقی واقع در «کو» (سوئیس)

بی آرایش خاورزمین بویژه دو شبهای تابستان حجله گاهی است دلکش که عروسان طنناز فلکی با کرشمه و ناز در آن بجلوه گری و خود آرائی می بردازند و دل و دین اهل تفکر را امین بایند و آن دلپاشگان و اله را عاشق شیدای جمال و جلال خود میگردانند: اینهمه اشعار شیرین و منظومه های دلنشین و این سوز و گدازهای عاشقانه اولین راز و نیازهای عارفانه انعکاسی از تراوشات رازدرونی این فریفتگان جمال زیبای طبیعت است، این نظر بازی آسمانی حکیم نظامی و مجنوبیت وی در برابر جمال این عروسان فلکی است که او را واله و شیدا و خیران و سرگردان میسازد و زبان بچون و چرا میکشاید و در عالم تحیر میسراید:

تیمید انم که سیاحان افلاک تامله چرا گردند کرد مرکز خاک  
از این آمدشده مقصودشان چیست درین معراجیکه معبودشان کیست  
چه میخواهند از این منزل بریدن چه میجویند از این محفل کشیدن  
چرا این پابست است آن منقلب نام که گفت اینرا بجنب آنرا بیازام  
از آن چرخه که گرداند زن پیر قیاس چرخ گردنده همی گیر  
گر میبازار عرفان تار و ز کاری دوام داشت که معنویات بر مادیات میچربید و



حق و حقیقت و حقانیت رواج داشت، ولی ازمسانی که امور مادی و مالی رونقی بسزایافته و مردم مجذوب و مفتون مادیات شده و از معنویات غافل گشته اند باز این متاع روحانی و کالای آسمانی نیز بکسادی گرایده تا جایی که در خود حاورزمین از رونق و گرمی اولیه افتاد، تا چه رسد به مردم باخت‌رزمین که هیچگاه در مسائل عرفانی بمقام و منزلت خاورریان نرسیدند.

معینا هم اکنون گروهی از مردان راه خدا که از روی راستی و درستی بالمره از هر گونه مادیات و ارسته و منزله گشته و چشم از جاه و جلال پوشیده و رستگار شده و جز خدمت بخلق که از بزرگترین عبادات است منظور و مقصودی ندارند، از روی حقیقت و راستی پیرو حکمت عملی و مرام مقدس اخلاقی گشته و در صدد برآمده اند با تزکیه نفس و تصفیه ضمیر به اختلافات فردی و خانوادگی و ملی و بین‌المللی و مناقشات نژادی و مذهبی و مسلکی و حرفه‌ای پایان بخشند و تمام افراد نوع بشر را بصلح و صفا و مهر و وفا و محبت و صمیمیت و برادری و برابری و یگانگی و بکرنگی دعوت کنند.

این گروه مردان راه خدا در یکی از خوش آب و هوا ترین نقاط کوهستانی کشور آزاد و آباد سوپس معروف به «کو» رحل اقامت افکنده و از تمام کشورها و ملت‌ها و نژاد های سفید و سیاه و زرد و سرخ و از تمام طبقات و اصناف و احزاب و فرقه‌ها و حرفه‌ها بی‌زیاد دعوت میکنند که بکلیه درویشان آنان کام نهند و رهین منتشان سازند و در جلسات و مذاکرات و در مجالس و عظ و خطابه آنها شرکت فرمایند و اصول تعلیمات آنها را فرا گیرند و این تعلیمات عالی اخلاقی را بکشورهای خود بارمغان برند و بیاری این روش اخلاقی باختلافات داخلی و خارجی و مناقشات ملی و بین‌المللی خود پایان دهند.

افراد جمعیت درویشان فرنگی یا پیروان مرام تسلیح اخلاقی تشکیل یافته از پزشکان عالی مقام و استادان و ادیبان و حکیمان و نویسندگان و سایر دانشمندان که سالیان دراز در راه کسب علم و ادب رنج برده و گنج اندوخته تا در دانشگاهها بمقام استادی نایل آمده و یا از هنرمندان و کارشناسانی که یک عمر تجربه آموخته و شهرت ملی یافته اند و این افراد پس از گذراندن این مقامات شامخ علمی و ادبی و هنری بکلی دست از کسب و کار شسته و در عالم

درویشی از آموزمادی و مالی بالمره بر کنار شده و بدون دریافت کمترین اجرومزدی اوقات شبانه روزی خود را بی ریا در راه پیشرفت مرام مقدس خود در فیصله دادن باختلافات فردی و اجتماعی مصروف میدارند. این گروه درویشان تنها هزینه خوراک و پوشاک و مسکن افراد خود را یعنی ضروریات اولیه زندگانی آنان را تامین میکنند و بس و آتاهم بهمین اندازه بسنده کرده و دل را خوش دارند که خدمت بخلق را پیشه و هدف و نصب العین خود قرار داده‌اند. در حقیقت همین گروه درویشان اند که با اجرای مرام اخلاق عملی خود «خدمت بخلق» را وجهه همت خود قرار داده و سعادت دنیا و عقبای خود را تامین نموده‌اند. برآستی اینست زبان حال آنان ( از قول شیخ سعدی علیه الرحمه ) :

صاحب‌دلی بخانه آمد ز خانقاه      بشکست عهد و صحبت اهل فریق را  
گفتم میان عابد و زاهد چه فرق بود      تا اختیار کردی از آن این طریق را  
گفت آن گلیم خویش بدر میبرد ز موج      و این سعی میکند که بگیرد فریق را  
بلی ، نوع بشر در این عصر پر حادثه اختلافات طبقاتی و صنفی و مرامی و نژادی و مذهبی و ملی غرق تباهی و گمراهی است . چرا ؟ برای اینکه بشر میخواهد دردهای بی‌شمار اجتماعی خود را بوسایل مالی و مادی درمان بخشد : این مسلك های فریبنده و مرامهای درخشنده که بنام کمونیزم و مارکسیزم و سوسیالیزم و کاپیتالیزم و فاشیسم و نازیسم و آنارشیسم و سندیکالیزم یا بعرضه ظهور و بروز میکنند ظاهر برای رفع همین اختلافات طبقاتی است ولی در حقیقت و بحکم تجربه هر «ایزم» نوینی که بوجود میآید مشکل جدیدی برانبوه مشکلات اجتماعی نوع بشر میافزاید. بطور تحقیق این «ایزهای» متعدد و متضاد بهیچوجه صلاحیت حل اختلافات اجتماعی را نداشته‌اند. از این جهت است که این درویشان فرنگی از گوشه انزوا بدر آمده ، مردانه با بعرضه اجتماع گذارده و درصدد نجات دادن تمدن متزلزلی هستند که در دریای متلاطم اختلافات ملی و بین‌المللی در حال غرق شدن است : مرام و ایمان این پیروان تسلیح اخلاقی است که بهیچوجه بفکر بدر بردن گلیم خویش نباشند بلکه بوسیله تعلیمات اخلاقی ویژه خود : «سعی کنند که بگیرند فریق را»